



واژه های آشنای نا آشنا

واژه های آشنای نا آشنا

واژه های آشنای نا آشنا



بیت

واژه یی پارسی است

احمد وکیلی

تکه ی دو لختی در سروده ها، از آن بهره می گیریم همان واژه ی اوستایی است که برابر با «دولخت» یا «دو تکه» است و آوای آن نیز [بیت] Bit است و نه آن «بیت Bayt» که تازیان آن را برابر واژه ی «خانه» می دانند و به کار می برند و اگر امروز ما هم «دوبیتی» را می گوئیم یا می نویسیم و تازیان نیز آن را به همان گونه به کار می گیرند، دیدگاه همگیمان «دو تکه ی دو لختی» است یا سروده یی با «دوبیت» نه چیزی دیگر و شنیدنی تر آن که همین واژه ی «دوبیتی» را تازیان با همین درونمایه که گفتیم از زبان پارسی گرفته و آن را برابر «رباعی» به کار می گیرند! که خود گواهی روشنتر بر این سخن است. فشرده آن که: وارونه ی آنچه تا کنون گفته شده، این واژه را تازیان از زبان پارسی وام گرفته و در سروده های خود از آن بهره مند می شوند، نه ما از آنان!

در این زنجیره از گفتار کوشش خواهیم کرد تا آن جا که می شود برخی واژه های شناخته شده را که همیشه همه پنداشته اند تازی یا ترکی است زیر نگاهی دیگر بگذاریم و ریشه های راستین آن را در این جا و در پیشگاه خوانندگان آوین بشکافیم تا سره را از ناسره باز شناسیم. بررسی کنونی ماکه در این شماره می خوانید در پیرامون واژه ی «بیت» است. گمان همگانی مردم از دیر باز تا امروز بر این بوده است که واژه ی «بیت» که آن را در «دوبیتی» یا همانند آن دیده و می بینیم و در فرهنگها نیز می نویسند، واژه یی تازی و برابر است با «خانه» یا «خرگاه» و در این پندار نیز آنان همان راهی را رفته اند که واژه نامه ها و فرهنگ نویسان رفته اند. جز که نگاهی باریک و مو شکافانه به این نامواژه، ما را به راستی از ریشه و بنیاد به این گمان، بدگمان می سازد.

پانوشتها

۱- بیدستر: در فرهنگ فارسی زنده یاد استاد معین با برداشتی از Geiger و Ernest Kuhn Band آمده:
«... مرکب از (بی - س - تر) به معنی داس کوچک و اره است. بیدستر لغتاً یعنی بدون اره یا که به گمان من برداشتی نادرست باید باشد. چون اره یا داس کوچک در این جا با نگاه به رفتار و زندگی این جانور دو زیست که نه چیزی مانند اره دارد یا داس کوچک، نمی تواند جایگاه شایسته و درستی داشته باشد. فرانسه Castor و انگلیسی Beaver این واژه ی پارسی به گمان من می بایستی بی دستر (بی اوستایی = دو) + دستر ← دستار، زستار ← زیستار که دو زیستار می شود. جا به جایی دال به زال و زال به ز نیز در فرهنگها بسیار دیده شده و می شود (نگارنده)».

۲- درباره ی واژه ی بینی بیشتر در شماره ی ۲ و ۳ ماهنامه آوین گزارشی از نگارنده خوانده آید.

ببینید واژه ی اوستایی «ویته» [*𐬯𐬀𐬎𐬎𐬀*] که همان «دولختی»، «دو بخش شده»، «جدا از هم» و «دو تکه» است در دسترس ماست و همه نیز می توانند آن را به سادگی در فرهنگهای ویژه ی آن بیابند. همچنین واژه ی اوستایی «بی تیه» [*𐬯𐬀𐬎𐬎𐬀*] را نیز می توان یافت که «دو مین» است و نیز واژه ی اوستایی «بی» [*𐬯𐬀*] را هم داریم که «دو» است که سایه هایی از آن در واژه های «بیدستر» (۱) و «واژه ی «بینی» (۲) و همچنین واژه هایی دیگر از این دست را در فرهنگها دیده ایم و می شناسیم. این «بی = دو» را در گویشهای باختری که شاخه هایی از زبان گسترده ی آریایی اند، بسیار بیشتر می توانیم ببینیم. مانند: (بایسیکل = Bicycle دوچرخه)».

پس این «بیت» که ما امروز برای هر

